

یک سینه سخن

مسعود سپند



دارد. داریش فروهر بخاری (کالری فیکس) خودش را برای او فرستاد نیمه شب صدای چند تیر هوایی به گوش ما رسید ولی اهمیتی ندادیم چون هر شب پاسداران هنگ برای جلوگیری از ورود افراد ناشناس اقدام به این کار می کردند. ساعت ۵ صبح وقتی من و محمود نریمان وزیر دارائی مصدق به دستشوئی رفتیم یک سرباز جوان گفت که دیشب کریم پور قصد فرار داشت وبعد جریان را این طور شرح داد. کریم پور جلوی بخاری خوابیده بود من جلوی در اطاق پاس میدادم ناگهان او را دیدم که از جا پرید و در حالیکه گوشه لباسش آتش گرفته بود فریاد زد آب ... آب برسان، من به طرف جوی آب که صددم آنطرف تر بود دویدم تا با کلاه خدمت برایش آب ببرم اما کریم پور با استفاده از غیبت من با همان پیرهن مشتعل به طرف دیوار بی سیم دوید تا از مخزن آب خودش را به آن طرف برساند. اما جریان آب بقدری شدید بود که سه بار او را پس زد و من که به منظور او پی برده بودم چند تیر هائی شلیک کردم و با کمک همقطارها تا توانستیم کریم پور را تکت زدیم چونکه یک ماه بیشتر به پایان خدمت من نمانده و اگر او موفق به فرار می شد من ناچار بودم دوسال دیگر خدمت کنم بعد اضافه کرد که دکتر رضوی (یکی از زندانیها) همان دیشب کریم پور را معاینه کرده و گفته است چون سوختگی بدنش بیشتر از دو سوم است شانس کمی برای زنده ماندن دارد. ساعت ۴ صبح کریم پور را با آمبولانس به بیمارستان پانصد تختوابی فرستادند کریم پور متأسفانه ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز در بیمارستان در گذشت دوزخ بعد اسباب و ائاثیه مختصر او را به بازماندگانش تحویل دادند.»

خب می گوئیم خاطرات کیانوری و کثر راهه طبری دروغ است چرا که در زندان و در زیر فشار سرنیزه و گلنگدن نوشته شده بعید هم نیست اگر طبری و کیانوری در زندان نمی بودند و در کشوری آزاد می زیستند کتاب خاطراتشان این نبود که نوشته اند و بعید هم نیست که جمهوری جهل و جنایت در آن کتابها دست برده و دیگرگونشان کرده اما خاطرات پرویز خطیبی که خودش عضو حزب توده

بخورند و از این دشمندلی بیرون بیایند. اصلاً دیگر حالا مهم نیست که این خاندان پهلوی خدمتگزار بوده یا نبوده ایران را دوست داشته یا نداشته کشور را آباد کرده یا نکرده حداقل اینست که به مملکت خیانت نکرده و وطن خود را نفروخته اما این کوردلان جمهوری اسلامی نمیدانم کجای کار هستند. و خیانت به مردم و میهنشان را به اعلائی درجه رسانیده اند.

در زمان پادشاهی محمدرضا شاه دوستان توده ای میگفتند که اشرف کریم پور شیرازی (روزنامه نویس ضد سلطنت) را آتش زد و خودش هم ایستاد که کاملاً سوخت و جزغاله شده و اگر کسی با ناباوری به آنها فقط نگاه میکرد یا حرفی ناباورانه میزد او را مزدور و خائن و دشمن خلق و طبقه کارگر میدانستند و هر چه میگفتیم بابا حالا فرض کنید دستور آتش زدن داده دیگه خودش بیاید و تماشا کند که نبوده میگفتند نخیر خودش آمده و نفت ریخته روی این بنده خدا و خودش کبریت را گیرانده و کریم پور را آتش زده. میگویند دروغ هر چه بزرگتر باشد مردم بیشتر باور می کنند اینهم از آن دروغهای شاخدار بود اما مگر کسی جرأت میکرد بگوید دروغ است خب بعد از انقلاب معلوم شد محمد مسعود را که مدیر روزنامه ای مخالف شاه بود حزب توده کشته و خود لنگرانی عضو حزب اعتراف کرده بود و شاملو نیز شعری را که بخاطر خسرو روزبه هماهنگ کننده این قتل سروده بود پس گرفت.

خدا پدرش و خودش را بیامزد: اما این داستان کریم پور شیرازی در پرده ابهام بود تا کتاب خاطرات پرویز خطیبی عضو سابق حزب توده و یکی از مبارزان بزرگ این حزب در آمریکا به چاپ رسید و در اختیار مردم قرار گرفت و من با خواندن این کتاب چیزهای تازه ای از تاریخ همین جهل پنجاه سال پیش برایم کشف شد که عیناً برایتان از روی این کتاب می نویسم.

صفحه ۲۵۶ و ۲۵۷ کتاب خاطراتی از هنرمندان به قلم پرویز خطیبی:

«شب کریم پور را که کم کم قوای بدنی اش ضعیف می شد (بعلت اعتصاب غذا) به در مانگاه هنگ که زیر دیوار بی سیم پهلوی واقع شده بود بردند پیش از رفتن کریم پور با من (یعنی پرویز خطیبی که خودش هم زندانی بوده) خداحافظی کرد و گفت که با پرداخت پنجاه هزار تومان تر تیبی داده است که فردا شب او را از جلوی در بی سیم با ماشین جیب به بغداد ببرند. شب سردی بود و اطاق بیداری سرد و سردتر می شد سربازی آمد و پیغام آورد که آقای کریم پور بخاری لازم

هر که ناموخت از گذشت روزگار
نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

رودکی

دوستی از سوئد زنگ زد که مژده میدهم فلانی که آهنگساز بزرگی است و سال ها با سلسله پهلوی دشمنی می کرد و هر جا که می نشست جز به بدی از این پدر و پسر چیزی نمی گفت بتازگی عکس رضا شاه را در اطاق کار خود بر بالای سر و روی دیوار نصب کرده. با ناباوری تمام به او گفتم حتما اشتباه دیده ای یا شاید خانه یک سلطنت طلب رفته ای و خیال کرده ای در خانه این هنرمند بزرگ هستی. کمی دلخور شد که یعنی من اینقدر پرتم که تشخیص این چیزها را ندهم. با ناباوری گفتم نکند طرف عکس رضا شاه را روی سر خود نصب کرده که فراموش نکند که هنوز دشمن این خانواده است گفت نه بابا تو هم دیگه خیلی از اون طرفی هستی.

گفتم ببخشید این آقا بعد از ۲۸ سال تازه خوشش آمده! خنده اش گرفت و گفت بجان تو راست می گویم و ادامه داد از بس با این مرد بحث کرده ام و او را نتوانسته ام مجاب کنم وقتی عکس را بالای سر او دیدم دم بر نیاوردم و پرسشی نکردم که مبادا پشیمان شود و عکس را بردارد.

با خود فکر کردم اگر این بنده ی خدا که روشنفکر هم هست درس هم خوانده و آهنگ های آنچنانی ساخته و هیچکس را در سیاست و کیاست با اندازه خودش قبول ندارد. ۲۸ سال طول کشیده تا بفهمد رضا شاه به ایران خدمت کرده برای کسانی که یک دهم او سواد و دانش و هنر ندارند. ۲۸۰ سال طول خواهد کشید که بفهمند رضا شاهی بوده و به این مردم خدمت کرد. یعنی باید ۲۸۰ سال طول بکشد تا به انقلابی دیگر برسیم. و آن روز انقلابیون بر روی گورهای ما رژه خواهند رفت و مرگ بر ملا خواهند گفت ما مردم هر چه داریم حافظه تاریخی نداریم و گرنه مگر میشود ۲۸ سال طول بکشد که بفهمیم رضا شاه خادم بوده یا خائن. بلافاصله بعد از انقلاب گروهی که مخالف سلطنت بودند و حق هم داشتند! متوجه شدند که به بیراهه رفته اند و این انقلاب نه آن انقلابی بود که آنها در ذهن خود پرورده بودند و هر کدامشان بنوعی مخالفت خود را با انقلاب اعلام کردند و از هراس آدمخواران جمهوری اسلامی در گوشه ای پنهان شدند یا به کنجی گریختند و بنوعی پشیمانی خود را از این رخداد ننگین اعلام کردند.

اما آن ها که هنوز باید سرشان به سنگ بخورد که نخورده و هنوز دلشان بدرد بیاید که نیامده کم نیستند و چقدر باید بگذرد که آنها هم تکانی

من کیستم
من کیستم سرباز بی نام و نشانی
در کوی جانبازان و رندان پاسبانی
بسیار شبها تا سحرگاهان نختم
تا سر بیالین خوش نهد پیری جوانی
بسیار از خون جگر پیمان خوردم
بر سفره خود ساختم با لقمه نانی
(از سرزمین زنده باد و مرده بادم)
جز باد این کشتی ندارد بادبانی
این اشک و آه سوزناکم بی سبب نیست
در سینه دارم کوره آتشفشانی
سبزم ز رنگ زرد و سرخ و ارغوانی
بر دوش دل دارم درفش کاویانی
با پیر طوس و رند شیراز آشنایم
در دست دارم زین مهان خط امانی
با شهید جان می پرورم کندوی شعری
از خون و دل می گسترم دستار خوانی
بس کام شیرین می کنم با قص ای تلخ
بس دل به آتش می کشم با داستانی
میدان مشق عشق دانشگاه من بود
آموختم درس وفا در یادگانی
با لشکر شعر و سپاه واژگانم
بر قلب دشمن می زدم تا هست جانی
لاس و گاس ۱۸ دسامبر ۲۰۰۷
مسعود سپند

بوده و با کریم پور شیرازی زندانی بوده و پس از خروج از ایران خاطرات خود را نوشته و به هیچ وجه شمشیر دامو کلسی بالای سرش نبوده دیگر نمی آید دروغ بنویسد. اگر چه بعید نیست بگویند پول گرفته و این ها را نوشته حالا از کی پول گرفته و کدام بیحوصله ای پول به او داده که بنویسند من مادر زنی داشتم که شوهر اولش را در شهر خوی چون مالک زمین و آب و خید بود دمو کراتها در زمان پیشه وری کشته بودند وقتی شرح میداد که چگونه به خانه او ریختند و هر چه نریخته بود کشتند و زن ها را هم به تبریز پیش پیشه وری بردند و چه و چه!

آقای فروزنده برنامه ای داشت که در آن برنامه یک طرفدار پیشه وری میگفت: که ارتش جنایت کرده و مردم بیگناه را کشت و دموکرات ها هیچگونه جنایتی انجام ندادند من تنها کاری که کردم با فروزنده رفتم و خاطرات مادر زنی را از آن رخداد شوم ضبط کردیم و در تلویزیون یخش کردیم. اما یکدوست قدیمی که تازه از ایران آمده بود و طرفدار پیشه وری هم بود گفت مسعود جان به آن زن... پول داده بودند که این دروغ ها را سر هم کند. گفتم برادر آن زن مادر زنی من است و دروغ هم نمی گوید گفت نه دروغ می گوید و من که باور نمی کنم.

ببینید ما چگونه مردمی هستیم که بهیچ صراطی مستقیم نمی شویم خدا عاقبت همه را بخیر کند که نخواهد کرد چرا که ما بعد از ۲۸ سال بعضی هامان نه همه داریم کم کم بیدار می شویم و خدا کند که این خواب دقیانوسی نباشد.

بدون پیش قسط صاحب منزل شوید

(Loan Amount Max. \$417,000)

خرید منزل تا مقدار ۶۹۰,۰۰۰ دلار
بدون پیش قسط

برای گرفتن بهترین بهره بدون هزینه
با من تماس حاصل نمائید.

تبدیل وامهای قدیم به جدید

لیست خانه های ضبط شده از طرف بانکها

با ۴.۵ درصد کمیسیون
خانه شما را با قیمت مناسب
بفروش میرسانیم.

Century 21

Alpha Realty

www.kipdreamhomes.com

«ارزیابی رایگان»

1700 Winchester Blvd. Campbell, CA 95008

Fantasy Collection



فانتزی کالکشن



مقدم مشتریان را گرامی میداریم

Gifts Houseware Books Videos & Audio

* انواع سکه طلا، طلای ۱۸ عیار ایرانی در مدل های مختلف

* صنایع دستی، خاتم، رومی های ایرانی، آئینه و شمعدان

* سماورهای برقی آلمانی در اندازه های مختلف

* مجموعه ای از دیگ ها و قابلمه های تفلون و استنلس استیل

* پلوپزهای برقی مخصوص ته دیگ در اندازه های دلخواه شما

* انواع CD فیلم های ایرانی و DVD برای فروش و یا اجاره

* تبدیل فیلم از سیستم های مختلف روی DVD و VHS

* کارتهای مختلف تلفن برای مکالمه با ایران و سایر نقاط جهان

* وسائل سفره عقد برای کرایه

* انواع لوازم موسیقی سنتی

* بزرگترین مجموعه از کتاب های ایرانی

(ادبی، تاریخی، اجتماعی، رمان، کودکان، فرهنگ لغات، کتاب های مذهبی)

* در ضمن سفارش کتاب، CD، DVD و فیلم های ایرانی پذیرفته می شود

۴۲۱۱-۵۵۹ (۴۰۸)
۳۴۵۲-۵۵۹ (۴۰۸) فکسی

2711 Union Ave., San Jose, CA 95124



کامران پورشامس آیدین پورشامس

مشاورین املاک و سرمایه گذاری

Kamran Pourshams
Idean Pourshams

Res.: (408) 879-9343

Bus.: (408) 369-2000

Direct: (408) 369-2020

Cell: (408) 781-1200